



## فاجعه است که عده‌ای به پخته‌خواری کامل رسیده‌اند



شما در جشنواره پژوهش فرهنگی که چندی قبل برگزار شد، عنوان پژوهشگر شایسته تقدیر را کسب کرده‌اید. هم‌اکنون بسیاری از پژوهش‌ها نیز دچار مشکل کتاب‌سازی شده‌اند.

وضعیت پژوهش را امروزه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کارهای پژوهشی دچار سکوت شده‌اند؛ برای این که کسی کاری نمی‌کند. یک دستگاه دولتی که میلیاردها بودجه دارد چه کار پژوهشی بنیادی برای زبان فارسی می‌کند؟ شما یک دستگاه را نشان دهید که مسئولیتش کار پژوهشی است و کار پژوهشی انجام می‌دهد. دانشکده‌ها متخصص تربیت نکرده‌اند. مشکلات اقتصادی هست و عده‌ای هم آنقدر آزمندی‌شان زیاد است که سیر نمی‌شوند. به این جهت اغلب افراد - چه استاد دانشگاه و چه پژوهشگران - وقتشان را برای تدریس می‌گذرانند و کسی وقت خود را برای کتابی که تألیف آن ۸ سال یا ۱۰ سال زمان می‌برد و در نهایت ۱۰۰۰ نسخه از آن چاپ می‌شود، نمی‌گذارد.

این نوع برخورد با پژوهش درست نیست. دستگاه‌های دولتی باید جداگانه برای کار پژوهشی سرمایه‌گذاری کلان کنند. این فرهنگی که ما به آن زبان و ادبیات فارسی می‌گوییم دارای بخش اسلامی بسیار غنی‌ای است و درباره آن کاری صورت نگرفته است. در حال حاضر بسیاری از دستگاه‌ها در این زمینه‌ها کارهایی می‌کنند، ولی کار آنها بازدهی ندارد، تنها نامی از ادبیات فارسی شنیده‌اند و برای خود دکانی درست کرده‌اند.

در حوزه تصحیح متون فرایند پخته‌خواری‌ها بمراتب بیش از باقی حوزه‌ها دیده می‌شود. نقش نقد را در بهبود این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید و چه پیشنهادی برای این

معضلی در سال‌های اخیر به نام کتاب‌سازی و پخته‌خواری به وجود آمده که با گذشت زمان روندی رو به افزایش دارد. به نظر شما این مشکل از کجا پدید آمده و برای مقابله با این رویه ناشایست، چه باید کرد؟

کتاب‌سازی مسئله‌ای فرهنگی-اجتماعی است و منحصر به کتاب نیست و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها را نیز شامل می‌شود. یادداشت‌هایی که مکرر آمده و مؤلف آن را در کتاب خود آورده، در حالی که تمام پانویس‌های آن کتاب یادداشت‌های شخصی دیگر بوده است. یکی از مشکلات نشر ما این است که ناشران عمدتاً به فکر سودجویی هستند. البته برخی از این ناشران مشاوران خوبی دارند، ولی از نظر آن‌ها استفاده نمی‌کنند. مثلاً فردی که متن‌شناس است و می‌خواهد اثری را داوری کند و زمانی که کتاب چاپ می‌شود، مشخص می‌شود فرد متخصص نبوده است. در برخی موارد ناشران هم حاضر نیستند از نظر متخصصان در این زمینه استفاده کنند.

یکی از اساسی‌ترین مشکلات حوزه نشر ما نبود فرهنگ نقد علمی در سطح جامعه دانشگاهی کشور است. به عقیده شما تربیت ناقدان می‌تواند بخشی از مشکلات را در زمینه کتاب‌سازی‌ها برطرف کند؟

فرهنگ نقد برای ما پذیرفته نیست. کمتر کسی را می‌توان دید که پذیرای نقد باشد. نقد باید عالمانه و انتقادی باشد. شخصی کتابی نوشته که آن کتاب ارزش علمی دارد و ارزش علمی آن کم است؛ منتقد نباید به اثر حمله ببرد و بخواند کتاب را بزند. باید بررسی کند که کتاب تا چه اندازه موفق بوده و در چه بخش‌هایی ضعف دارد، اما این کار هم اکنون انجام نمی‌شود و این یک مشکل بزرگ برای حوزه نشر است.

\* عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی



## حوزه دارید؟

تصحیح متون به شیوه خاص پیشینه‌ای دیرینه دارد. برخی استادان مانند آقای دکتر محمود امیدسالار مقالات خوبی در این زمینه نوشته‌اند و پیشینه تصحیح را گفته‌اند. مصححان متن باید بتوانند براحتی با کاربرد واژه‌ها در متون مختلف آشنا شوند؛ یعنی اول باید با گونه‌شناسی آشنا باشند و دانش متن‌شناسی را بدانند تا بتوانند متن را تصحیح کنند. متأسفانه برای تصحیح متن در ایران تنها نسخه یا خط و کاغذ را نگاه می‌کنند؛ ولی کاغذ و متن آن قدر مهم نیست. موضوع مهم این است که کتاب در کجا نوشته شده و چه کسی آن را نوشته است و زبان آن زبان کدام یک از حوزه‌های زبان فارسی است؛ فارسی معیار نوشتاری است یا زبانی با استفاده از گویش‌های محلی قدیم. این خود بحثی تازه درباره شناخت متن است و من این را تاکنون مطرح نکرده بودم.

اگر کسی می‌خواهد تصحیح کند، باید با این موضوعات آشنا باشند. فاجعه است که عده‌ای به پخته‌خواری کامل رسیده‌اند؛ یعنی متنی را که کس دیگری چاپ کرده، مانند همان متن را با پنجاه کلمه تغییر چاپ می‌کنند. حتی بعضی از استادان توانمند در این راه افتاده‌اند و این راحت‌ترین شیوه‌ای است که کتاب را تصحیح کنند؛ یعنی بیست کلمه در کتاب پیدا می‌کنند که در متن اصلی نیست. خب اینجا کافی است یک مقاله در این زمینه نوشته شود، نه این که کتاب مجدداً چاپ شود. زمانی که قرار است کتابی چاپ شود اگر مصحح کوشش نکند که چاپ نهایی باشد، فاجعه است.

یعنی به گفته شما این موضوع که بسیاری از کتاب‌ها به صورت گزیده چاپ می‌شود، نوعی کتابسازی است؟

کتابی مانند مثنوی را در نظر بگیرید که دهها چاپ از آن وجود دارد، اما این مثنوی‌ها چه مزیتی بر دیگری دارند؟ یا برای مثال زمانی که مجموعه آثار فردی چاپ شده است این را برمی‌دارند و با کمی تغییر منتشر می‌کنند. خب این تغییرات را می‌توانند در قالب یک مقاله چاپ کنند و به فردی که قبلاً متن را چاپ کرده، بدهند. پرفسور لازار برای کتاب قرآن قدس مقاله‌ای نوشت و من می‌خواهم زمانی که قرآن قدس

را مجدداً چاپ کردم، آن مقاله را در کتابم بگذارم تا خواننده با نظر علمی فردی مانند پرفسور لازار آشنا شود. یکی از مسائل چاپ، کتاب‌هایی است که مکرر منتشر می‌شوند. وجود ده چاپ از یک کتاب است که سبب مشکل علمی می‌شود. من برای نوشتن فرهنگ مثنوی پایه کار را مثنوی به تصحیح نیکلسون قرار دادم؛ ولی شخص دیگری پنجاه کلمه را عوض می‌کند و توقع دارد کارش از چاپ نیکلسون برتر باشد، در حالی که می‌توان در یک مقاله اختلافات نسخه اول را نوشت. یعنی شما بر این عقیده هستید که نیازی نیست کتابی برای

## دومین بار تصحیح شود؟

خیر؛ مگر این که در آغاز کار، کسی که برای نخستین بار روی نسخه کار کرده، دانش گونه‌شناسی و دانش متن‌شناسی را نداند و نسخه را درست ننوشته باشد. من در مقدمه فرهنگ شاهنامه نوشته‌ام که نسخه فلورانس — اگر مجعول نباشد — نسخه‌ای است که در ماوراءالنهر کتابت شده و آن را با نمونه‌های ماوراءالنهری شاهنامه مقابله کردم که در مقدمه آمده است. این، مسئله ساده‌ای نیست. بنابراین ما باید قطعاً به شیوه تازه‌ای برای تصحیح متون برسیم. مثلاً استاد دکتر مهدی محقق کتاب لسان‌التزیل را تصحیح کردند و مشخص نبود نویسنده کتاب کیست و در کجا کتابت شده است. ما این اثر را مقایسه کردیم و با توجه به کتاب‌هایی که متعلق به همان حوزه زبانی بود اثبات کردیم که این کتاب در حوزه ماوراءالنهر نوشته شده و واژه‌هایی که در این کتاب آمده در مجموعه‌ای از کتاب‌های ماوراءالنهر هم آمده است.

آیا تا به حال پیش آمده اثری از شما را کسی با نام خود منتشر کند؟

یکی از شاگردانم که اینجا می‌آمد، قسمتی از فیش‌های مرا برد و چاپ کرد. این کار را چند باری تکرار کرده است. برای من فرقی نمی‌کند؛ چون من کار انجام‌نشده زیاد دارم، خوشحال هم می‌شوم کسی این کارها را به سرانجام برساند؛ اما این روند سبب عادت به دزدی در افراد می‌شود.

